

بررسی کلی از وضعیت عمومی کجبران

ناظر حسین زکی

قبل از پرداختن به موقعیت جغرافیایی و بافت اجتماعی ولسوالی کجبران لازم است موقعیت ولایت ارزگان و ولسوالیهای آن را بطور فشرده از نظر بگذرانیم:

ولایت ارزگان که رود هیلمند از آن سرچشمه می‌گیرد، در مرکز افغانستان قرار دارد و قسمت عمده آن امروزه از اجزاء مناطق «مرکزی هزاره‌جات» به شمار می‌رود.

مساحت ولایت ارزگان در حدود ۳۴/۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد و مرکز آن، تریب کوت است که با کابل ۴۷۰ کیلومتر فاصله دارد.

ولایت ارزگان از سمت شرق به ولایت غزنی پیوسته دارد و از طرف غرب به ولایت هیلمند و به قسمتی از ولایت غور متصل است. در سمت شمال ارزگان ولایت بامیان و قسمتی از ولایت غور واقع شده و در قسمت جنوبی آن، ولایات قندهار و زابل قرار گرفته است.

ولایت ارزگان متشکل از ۹ ولسوالی به قرار ذیل است:

۱- ولسوالی ارزگان خاص: ولسوالی ارزگان خاص با مساحت ۲/۴۹۴ کیلومتر مربع در جنوب شمالی ولایت قرار دارد. این ولسوالی متشکل از شیعیان و سنیان است.

۲- ولسوالی اجرستان (حجرستان): ولسوالی اجرستان با مساحت ۱/۲۳۱ کیلومتر مربع در جنوب شمالی ولایت قرار گرفته ساکنان آن متشکل از شیعیان و سنیان است. امروزه به سنیان آن دیار مالاخیل گفته می‌شود که اکثراً در دایه ساکن هستند. این ولسوالی در گذشته متعلق به شیعیان بود؛ ولی اکنون مالاخیلها قسمتهای عمده آن را در اختیار دارند. مالاخیلها در زمان پیش از انقلاب، از سرزمین آبایی‌شان، یعنی پاکستان، البسه و پارچه وارد می‌کردند و به مردم شیعه بطور نسبه با قیمت گزاف می‌فروختند و از این طریق هر ساله پول کلانی را به چنگ می‌آوردند.

۳- ولسوالی شهرستان: شهرستان با مساحت ۴/۶۵۳ کیلو متر مربع در شمال شرقی ولایت قرار گرفته و مرکز آن در «القان» است. ساکنان این ولسوالی را شیعیان تشکیل می دهند.

۴- ولسوالی دهر اوود: دهر اوود با مساحت ۱/۷۴۰ کیلو متر مربع در غرب ولایت واقع شده و ساکنان آن را پشتوهای مهاجر تشکیل می دهند که در زمان عبد الرحمن خان در این سرزمین - که متعلق به شیعیان بود - اسکان یافتند؛ ولی این سرزمین از آن زمان تا کنون، اسامی سابق خود را همچنان حفظ کرده به همان نام کهن و دیرینه خویش در بین افغانهای مهاجر یاد می شود مثل: بالادشت، چهار شنبه، ساغوم، ساغر (که امروزه به آن ساخر می گویند)، شاه مشهد (شای مشد)، جوی میرها، شاه جوی، کوتل خونی، مناری، چوغک، خود، یخدان، کجکی، گوهرگین و... همچنین در ولسوالی دهر اوود آثار قبور سادات تا هنوز وجود دارد و اکنون زیارتگاه اهل سنت بوده و مورد احترام آنها می باشد.

۵- ولسوالی کجران: کجران با مساحت ۲/۱۲۳ کیلو متر مربع در غرب ولایت واقع شده است. بیش از ۹۹ درصد ساکنان آن را شیعیان تشکیل می دهند و بقیه را سنیان.

۶- ولسوالی دایکندی: دایکندی با مساحت ۴/۰۱۲ کیلو متر مربع در شمال ولایت قرار دارد. ساکنان آن را شیعیان تشکیل می دهند.

۷- ترین کوت: ترین کوت با مساحت ۱/۴۶۱ کیلو متر مربع در ناحیه جنوبی ولایت واقع شده ساکنان آن را سنیان تشکیل می دهند. تعداد انگشت شماری از شیعیان نیز در مرکز ساکن هستند.

۸- چوره: چوره با مساحت ۳/۲۶۴ در سمت جنوب ولایت قرار دارد و ساکنان آن را اهل سنت تشکیل می دهند. در گذشته این ولسوالی نیز متعلق به شیعیان بود که در دوران عبد الرحمن افغانهای مهاجر در آن اسکان یافتند.

۹- گیزاب (گیزو): گیزاب با مساحت ۴/۰۸۲ در قلب ولایت ارزگان قرار دارد. رود هیلمند پس از عبور از شهرستان از این ولسوالی حاصل خیز و سرسبز و خرم می گذرد و از دهر اوود عبور می کند. در گذشته تمامی این سرزمین به شیعیان متعلق بود و امروزه ساکنان آن را سنیان و شیعیان تشکیل می دهند. سنیان ساکن این ولسوالی افغانهای مهاجری هستند که از زمان عبدالرحمان خان تا کنون مناطق حاصلخیز این ولسوالی را در اختیار دارند از جمله مناطق گیزاب، تمزان و پاتو را.

وضعیت جغرافیایی:

الف: حدود مرزی ولسوالی:

ولسوالی کجران با مساحت ۲/۱۲۳ کیلو متر مربع در غرب ولایت موقعیت دارد. در شرق این ولسوالی، ولسوالی گیزاب (گیزو) و در شمال آن، ولسوالی دایکندی واقع شده است. از طرف غرب با ولسوالی باغران - که یکی از ولسوالیهای ولایت هیلمند می باشد - پیوست دارد. از سمت جنوب، به ولسوالی دهر اوود متصل است و در جنوب شرق آن، پشته معروف چهل بیرانه (ویرانه) قرار دارد که افغانهای «قرونی» دهر اوود بیشترین نفع را از آن پشته می برند. بدینسان ولسوالی کجران از سه قسمت عمده (شرق، جنوب و غرب) با مناطق اهل سنت هم مرز است و تقریباً دروازه ورودی هزاره جات از جانب غرب و جنوب غربی کشور به حساب می رود و در این اواخر طبق اظهارات منابع آگاه، اسماعیل خان برای تضعیف جبهه شیعیان در کابل، می خواست از این منطقه استراتژیکی و دروازه

ورودی، به هزاره‌جات فشار و یا هجوم بیاورد و بحران چند ساله کجران و ناوهمیش معلول نقشه‌ها و اهداف توسعه طلبانه والی هرات و تعرضات مهاجمان باغران بود.

ب: کوهها و پشته‌ها:

ولسوالی کجران پوشیده از کوههای مرتفع و پشته‌های بلندی است که انواع درختها و گیاهان کوهی در آن دیده می‌شود. معروفترین کوهها و پشته‌های آن چنین است:

۱- کوه و پشته ارگان: پشته ارگان از قسمت غرب شمالی ولسوالی (منطقه زرکنک، غرنج) تا غرب جنوبی آن (کجران خاص) امتداد یافته و مرز ولسوالی کجران و باغران را تشکیل می‌دهد. این پشته از درختان چون: ارچه، بادام، سیلی، خنجک، قرغنه و... تا دامنه‌های آن پائین پوشیده است. هیزم و سوخت مناطق زرکنک، فیض آباد، غرنج، ارگان، خوجو، سلیمان آباد و کجران خاص و ناوهمیش از درختان کوهی این پشته تهیه می‌شود و قسمتی از پُل و پُلچه‌های ساختمانها و خانه‌ها از درختان بلند ارچه پشته تهیه می‌گردید. همچنین این پشته چراگاه خوب برای رمه‌داران و مالداران مناطق همسایه خودش است؛ ولی قطع بی‌رویه درختها و استفاده بی‌حد و مرز از علفزارهای این پشته توسط افراد ناشی و بی‌رحم، خطر انقراض و نابودی درختان را دارد که هم‌اکنون این خطر دامنه‌هایی را که به آبادی نزدیک می‌باشد؛ کاملاً فرا گرفته است.

پشته ارگان، روزگاران محلی تاخت و تاز رمه‌های آهوان بود و امروزه در اثر شکار بی‌رحمانه شکارچیان مسلسل بدست، به ندرت آهویی در آن پیدا می‌شود.

این پشته خاطراتی جدی و به یاد ماندنی جنگها و نبردها را با خود داشته و ماهها مجاهدان تمران، کیتی، کیسو و ارگان را که در برابر کمونیستها و خلقیهای مرکز ولسوالی به پا خواسته بودند، در کسینه خود حفظ کرد. همچنان خاطرات لحظه لحظه‌های نبرد با متجاوزان و متعصبان باغران را در سینه داغ و آتشین خویش دارد.

۲- پشته چهل بیرانه: پشته چهل بیرانه (ویرانه) بزرگترین پشته‌ای است که از قسمت شرق ولسوالی (گیزاب) تا قسمت جنوب غربی آن (دهراوود) امتداد یافته و به عنوان مرز ولسوالی کجران با دهراوود و گیزاب به شمار می‌رود.

وجه تسمیه: این پشته را به این علت «پشته چهل بیرانه (ویرانه)» می‌گویند که در اثر شدت بارش برف در یک شب زمستانی، چهل خانه در یک قسمت آن (پشته غرنج) ویران شد و قرار گرفته‌های ریش سفیدان، تا خیل مدت آثار خرابی خانه‌ها در پشته «غرنج» دیده می‌شد و به این دلیل نام «پشته چهل بیرانه» هم‌اکنون به آن اطلاق می‌شود.

این پشته پوشیده از جنگلهای انبوه، نیزارها، و درختان، چون: درخت چهار مغز، توت، درخت انگور، تاخم، ارچه، بادام کوهی، سیلی و... است و سرسبز از علفزارها و هم‌اکنون افغانیهای «قروتی» ولسوالی دهراوود (شاه مشهد، گوهرگین و...) بهترین نوع استفاده را از این پشته می‌برند و قسمتی از منطقه‌های حاصلخیز این پشته را برای کشت و زرع آماده کرده چمن زارهای آن را چراگاه مالهای خویش قرار داده‌اند. و به خاطر دوربودن از منطقه افغان نشین، ما بحتاج اولیه و خرید و فروش آنها از «کیسو» تأمین می‌شود؛ حتی برای آرد کردن گندم از آسیاهای «کیسو» استفاده می‌کنند. بجا می‌بود که مناطق ناوهرود، غرنج و کیسو بیشترین نفع را از این پشته می‌برد؛ ولی متأسفانه به علت عدم تحرک آنها، افغانیهای کوچی قروتی از دهراوود کمر بسته در این پشته ساکن شده‌اند و هر روز دامنه استفاده‌شان را توسعه می‌دهند؛ حتی در دوره انقلاب!!

این پشته غنی ترین منبع هیزم برای مناطق ناوه رود، غرنج و کیسو است که سالیان دراز تاکنون از درختان این پشته استفاده می کنند و هماکنون کاروانهای «الاغ»، «قاطر» پس از طی یکشنبه روز منزل، بهترین هیزمهای خشک از درختان: چون ارچه و بادام را از این پشته وارد بازار کیسو می کند. در گذشته مناطق نزدیک به این پشته درختهای ارچه را برای پوشش سقف خانه ها قطع می کردند؛ اما استفاده بی رویه، درختهای این پشته را در معرض خطر جدی قرار داده و می دهد.

این پشته روزگاران محل ناخت و تاز حیوانات چون گُرگ، پلنگ و گله های آهوان بود. قله ها و ستیغهای بلند آن محل جولانگاه پرنده های بلند پرواز قرار داشت. صدای خواندن کبکها در تمامی نقاط آن هر لحظه طنین انداز می بود. شکارچیان با تفنگهای قدیمی چون: برنیل، سلطانی، ناوی، یازده تیر) به سهولت و آسانی هر روز اتیان شان را از حیوانات و پرنده های این پشته پُر می کردند؛ حتی امروزه علی رغم وجود تفنگهای خودکار و شکار بی رحمانه شکارچیان کلاشینکوف بدست، قله ها و ستیغهای بلند این پشته، پناهگاه خوبی برای گله های آهوان بشمار می رود.

۳- کوه کرد: کوه کرد که در آن تخت سلیمان (طبق باورهای و پندارهای مردم) قرار دارد و از اقصی نقاط به زیارت آن می آید؛ از بلندترین کوه های ولسوالی کجران به حساب می رود. این کوه از سلسله کوه های پشته چهل بیرانه می باشد که از قسمت شرق ولسوالی (گیزاب) تا قسمت شمال شرقی (دایکندی) امتداد یافته و خط مرزی کجران و گیزاب و قسمتی از خط مرزی کجران و دایکندی را تشکیل می دهد. این کوه دره های کیسو (سر کیسو و رویان) را قطع کرده و از سر هوشی، منمی، و کیتی، می گذرد و پس از آن دره تمران را قطع نموده تا به پشته «میش» (منطقه ای از دایکندی) می رسد.

کوه کُرد داری قله ها و ستیغهای بلند است در گذشته محل چراگاه کوچیان افغان بود و امروزه محل چراگاه گله داران و مالداران منطقه می باشد.

ج: دره ها:

- دره های ولسوالی کجران به چهار قسمت زیر تقسیم می شود:
- ۱- دره تمران: دره تمران از قسمت کوه کُرد تا رودخانه بزرگ کجران ادامه می یابد و رودخانه کوچکی که از کوه کُرد منشأ می گیرد از این دره می گذرد و به رودخانه کجران می ریزد.
 - ۲- دره ارگان (جلگه): دره ارگان (جلگه) از شمال غربی کجران تا پائین کیسو و ساغم را تشکیل می دهد. رودخانه بزرگ کجران با قطع دره تمران، و منطقه کیتی، از دره ارگان گذشته و با قطع کردن دره کیسو به سمت ناوه رود امتداد می یابد.
 - ۳- دره کیسو: دره کیسو که از کوه کُرد تا دره ارگان امتداد می یابد و رودخانه کیسو که از کوه کُرد منشأ می گیرد از این دره گذشته در پائین دره به رودخانه بزرگ کجران می ریزد. یکی از دره های فرعی این دره، دره رویان کیسو است که آن نیز از «کوه کُرد» منشأ گرفته در منطقه شورو به دره اصلی کیسو ملحق می شود و رودخانه آن به رودخانه اصلی کیسو می ریزد.
 - ۴- دره ناوه رود: این دره از پائین کیسو و رشک تا کندو را تشکیل می دهد که به سمت دهر اوود امتداد می یابد و رودخانه بزرگ کجران از این دره گذشته در یخدان منطقه چهارشنبه، به دریای هیلمند می پیوندد.

د: رودخانه‌ها:

کجران دارای چندین رودخانه کوچک است که همه به رودخانه بزرگ کجران می‌ریزد و مهمترین آنها، رودخانه تمران، کیتی، کیسو و کجران خاص است. رودخانه تمران و کیتی از کوه کُرد و رودخانه کیسو از کوه کُرد و پشته چهل بیرانه سرچشمه می‌گیرد. رودخانه کجران خاص از کوه‌های ناوه گزی و پشته ارگان سرچشمه گرفته در کندو به رودخانه بزرگ کجران می‌ریزد؛ اما رودخانه بزرگ کجران از قسمت دایکندی و پسبند سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از دره ارگان و دره ناوه رود در چهار شینه دهر اوود به دریای هیلمند می‌ریزد.

ه: مناطق و قریه‌جات:

۱- کجران خاص: منطقه کجران خاص در قسمت غربی ولسوالی واقع شده با باغران و دهر اوود هم مرز است و متشکل از قریه‌های: ناخه، قلعه لاش، شاجوی، صوف، سلیمان آباد و قول آلو است و مرکز ولسوالی در کجران خاص قرار دارد. اغلب ساکنان این منطقه از قوم بلوچ و شیعه مذهب است. ولی مناطق سنی نشین که جزء ولسوالی کجران بوده و به کجران خاص هم مرز و نزدیک است منطقه مناری و بالادشت است که تقریباً جمعیت بیش از ۵۰۰۰ هزار نفر دارد. شغل عمده کجران خاص زمین داری، مالداری، و بعضاً دکانداری است. این منطقه از نظر آب و هوا جزء مناطق گرم سیر به حساب می‌رود. عمده محصولات و زراعت این منطقه را گندم، جواری (زرت) و ماش تشکیل می‌دهد، از میوه‌جات معروف این منطقه انار، انجیر، زرد آلو، انگور، و بعضاً توت را می‌توان شمرد. هندوانه، خربوزه و باقی سبزیجات نیز به وفور در این منطقه به عمل می‌آید. این منطقه دارای زمینهای نسبتاً حاصلخیزی است ولی تابستانها زراعت و محصولات تا جایی دچار کم آبی می‌شود. ساکنان این منطقه به زبان دری و تا جایی با لهجه خاصی صحبت می‌کند که به لهجه بلوچی معروف است.

۲- ناوه رود: منطقه ناوه رود در قسمت جنوب غربی ولسوالی واقع شده و هم مرز با افغانهای بالادشت و پشته چهل بیرانه است این منطقه متشکل از قریه‌های: کندو، لُغ توغی، سُرخسَرک، زن طلاق، بیوه، پانه جوی، باغوان، دهن خوجو، دره، و زشک است. این منطقه از مناطق بسیار حاصلخیز ولسوالی کجران به حساب می‌رود و رود بزرگ کجران از وسط این منطقه می‌گذارد و زمینهای زراعتی این منطقه را با کمال راحتی سیراب و زنده می‌کند. این منطقه از نظر آب و هوا جزء مناطق گرم سیر به حساب می‌رود.

محصولات مهم این منطقه را شالی (برنج) گندم، جواری (زرت)، ماش، عدس، نخود تشکیل می‌دهد. و محصول عمده عمده، شالی، گندم و جواری (زرت) است. میوه‌جات این منطقه شامل: انواع زرد آلو، انار، انجیر، انگور، سیب، به، و بعضاً توت می‌باشد. خربوزه، هندوانه، بادرننگ (خیار) با دنجان و سایر سبزیجات به وفور در این منطقه حاصلخیز دیده می‌شود.

شغل عمده ساکنین این منطقه را دهقانی، مالداری و بعضاً دکانداری، تشکیل می‌دهد. ساکنان این منطقه متشکل از اقوام بلوچ، مغول، و بعضاً سید، خلیلی و بروتی می‌باشند که همه بالاتفاق شیعه اثنی عشری هستند. اغلب ساکنان این منطقه همچون کجران خاص با زبان دری به لهجه خاصی صحبت می‌کند که به آن لهجه بلوچی می‌گویند.

۳- کیسو: منطقه کیسو در قسمت غرب و جنوب غربی ولسوالی موقعیت دارد و با ولسوالی گیزاب و با افغانهای پشته چهل بیرانه هم مرز است. این منطقه متشکل از قریه‌های: بالای ارگی، پیتاب جوی، دهن کشک، غوله، غوتله، سرباغ، شینه، مدرسه، دشت، رویان،

سیدآباد (۱) شورو، ده ملک، و غرنج تارشک است. این منطقه از مناطق بسیار سرسبز و پُر نفوس ولسوالی کجران به حساب می‌رود که به جنت الهزاره تعبیر می‌گردد. رود خانه کوچکی که از کوه کُرد و پشته چهل بیرانه سرچشمه می‌گیرد، از وسط این منطقه سرسبز گذشته زمینهای زراعتی و درختها را سیراب می‌کند. این منطقه از نظر آب و هوا جزء مناطق گرم سیر به حساب می‌رود و پائین منطقه تا حدودی گرم و بالای منطقه (سرکیسو) آب و هوای مطبوع و دلپذیری دارد، چشمه‌های سرد و زلال سر «کیسو» در تابستان سال همچون برف می‌ماند.

محصولات مهم این منطقه را شالی (برنج) گندم، جواری (زرت)، ماش، عدس، نخود و قسماً گال تشکیل می‌دهد. میوه‌جات این منطقه شامل: انواع زردآلو و شفتالو، انواع چهار مغز (گردو) انواع توت، انواع انگور، بادام، سیب، چکه (آلبالو) انار، انجیر و پسته تشکیل می‌دهد. خربوزه، هندوانه، بادرننگ (خیار) با دنجان و سایر سبزیجات به وفور در این منطقه به عمل می‌آید. و از خصوصیات مهم این منطقه میوه‌جات آن چون انواع چهار مغز، انگور و توت و چشمه‌های زلال کوه‌پایه‌های آن و سرسبز بودن این منطقه است بگونه‌ای که زنبورهای عسل با استفاده از انواع گل‌های این منطقه، بهترین عسل را به صاحبان زنبور تحویل می‌دهد.

شغل عمده ساکنین این منطقه را دهقانی، و بعضاً مالداری و دکانداری، تشکیل می‌دهد. اغلب ساکنان این منطقه را هزاره، تاجیک، سادات و بعضاً خلیلی، بروتی، ازبک و افغان تشکیل می‌دهند که البته همه به نام هزاره یاد می‌شوند. همه ساکنان این منطقه بجز از بروتی و خلیلی، به لهجه هزارگی صحبت می‌کند و همه بالاتفاق شیعه مذهب هستند.

۴- منطقه آرگان (جلگه): منطقه آرگان (جلگه) در قسمت شمال غربی ولسوالی قرار دارد و با ولسوالی باغران هم مرز است. این منطقه متشکل از قریه‌های: زرنک، تجریب، سرتیغان، پنمان، سیوک، غرنج، آرگان و تودک (توتک) است. اغلب این منطقه از رود خانه بزرگ کجران که از دره آرگان (جلگه) می‌گذرد استفاده کرده و بیشتر زمینهای زراعتی آن تحت پوشش نهرهای رودخانه قرار دارد و قسمت دیگر از زمینهای زراعتی، از کاریزها و چشمه‌ها استفاده می‌کند این منطقه از نظر آب و هوا جزء مناطق گرم سیر به حساب می‌رود و مناطق کنار رودخانه تا جای آب و هوای گرم دارد.

محصولات مهم این منطقه را شالی (برنج) گندم، جواری (زرت)، ماش، عدس، نخود تشکیل می‌دهد. میوه‌جات این منطقه شامل: انواع زردآلو و شفتالو، انواع چهار مغز (گردو) توت، انگور، بادام، انار، انجیر می‌باشد. خربوزه، هندوانه، بادرننگ (خیار) با دنجان و سایر سبزیجات نیز در این منطقه به عمل می‌آید. شغل عمده ساکنین این منطقه را دهقانی، مالداری و بعضاً دکانداری، تشکیل می‌دهد. اغلب ساکنان این منطقه هزاره، تاجیک، سادات و بعضاً خلیلی و بروتی می‌باشند.

۵- منطقه کیتی: منطقه کیتی با شمول، منعی و هوشی، در قسمت شرق ولسوالی قرار دارد، و از طرف شرق با ولسوالی گیزاب و کوه کرد هم مرز است. این منطقه متشکل از قریه‌های: ووجونک، شنیه، دشت، موزرمی، منعی و هوشی است. زمینهای زراعتی این منطقه در تابستان از چشمه و کاریز استفاده می‌کند و تاجایی دچار کم‌آبی می‌شود. این منطقه از نظر آب و هوا نسبت به مناطق ناوه رود و جلگه سرد می‌باشد.

محصولات مهم این منطقه را گندم، جواری (زرت)، ماش، عدس، نخود و گال تشکیل می‌دهد. میوه‌جات این منطقه شامل: انواع

زرد آلو و شفتالو، چهارمغز (گردو) توت، انگور، بادام، انار، انجیر می‌باشد. خربوزه، هندوانه، بادرننگ (خیار) با دنجان و سایر سبزیجات نیز در این منطقه به عمل می‌آید.

شغل عمده ساکنین این منطقه را دهقانی، مالداري و بعضاً دکانداری، تشکیل می‌دهد. اغلب ساکنان این منطقه را هزاره، تاجیک سادات و بعضاً خلیلی و بروئی تشکیل می‌دهد.

۶- منطقه تمران: منطقه تمران در قسمت شمال و شمال شرقی ولسوالی قرار داشته با ولسوالی دایکنندی هم مرز است. این منطقه متشکل از قریه‌های: کومی، خارنیک و خارزار، چنقورقول، مزار، کهنه‌ده، شالیزار، انگورک، گرمسرای است. زمینهای زراعتی تمران از رودخانه تمران که از کوه گرد سرچشمه می‌گیرد سیراب می‌شود. و تاجایی از لحاظ آب غنی است. این منطقه از نظر آب و هوا نسبت به سایر مناطق سردتر می‌باشد تاجایی که بعضی از مناطق کجران این منطقه را جزء مناطق سردسیر به حساب می‌آورد.

محصولات مهم این منطقه راگندم، جواری (زرت)، ماش، عدس، تشکیل می‌دهد. میوه‌جات این منطقه شامل: زردآلو و شفتالو، توت، انگور، بادام، می‌باشد. بادرننگ (خیار) با دنجان و سایر سبزیجات نیز در این منطقه به عمل می‌آید.

شغل عمده ساکنین این منطقه را دهقانی، مالداري و بعضاً دکانداری، تشکیل می‌دهد. اغلب ساکنان این منطقه را هزاره، تاجیک و سادات تشکیل می‌دهند.

نفوس و نفوس شماری: نفوس شماری دقیق، در این ولسوالی تاکنون انجام نشده است، گرچه در دوران جهاد چندین بار توسط پایگاهها از جمله در سالهای اخیر توسط حزب وحدت اقدام به نفوس شماری در این ولسوالی گردید، ولی هیچیک از نفوس شماریها با توجه به شرایط و مشکلات منطقه، بطور دقیق انجام نگرفت، لذا بطور دقیق نمی‌توان تعداد نفوس این ولسوالی را نام برد اما با توجه به نفوس شماریهای اخیر تعداد نفوس این ولسوالی از سرحد ۸۵۰۰۰ هزار نفر تا یکصد هزار نفر تخمین زده میشود که پرنفوس‌ترین منطقه این ولسوالی کیسو است تقریباً ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

و: آثار باستانی و تاریخی:

- ۱- قلعه لاش: قلعه لاش قلعه جنگی و نظامی در قدیم بوده است که در کجران خاص واقع شده است و اکنون به نام قلعه لاش یاد می‌شود. و واژه لاش به کوه بلند استعمال می‌گردد.
- ۲- قلعه کهنه: در منطقه آرگان در وسط رود خانه، قلعه بزرگی در قدیم بوده است و اکنون به نام قلعه کهنه یاد می‌شود. آثار و تل آن قلعه علی رغم طغیان رودخانه تاکنون برجای مانده است. آثار باقی مانده حاکی از این است که این قلعه روزگاری مردان جنگی را در خود جای می‌داده است. و شبیه این قلعه در منطقه غرنج ارگان نیز وجود دارد.
- ۳- توپ رئیس: توپ رئیس تپه بزرگی است که در وسط منطقه شنیه کیسو واقع شده است. از قرار گودیهای زمینهای اطراف چنین بر می‌آید که این تپه و یا قلعه، از خاکهای زمین اطراف احداث شده است و هماکنون به نام توپ رئیس یاد می‌شود. قرار گفته‌ها و افسانه‌های ریش سفیدان این تل، قلعه رئیس منطقه بوده که به هنگام جنگ قلعه خود را از خاک زمینهای اطراف خاکریز کرده و خودش متواری شده است. طرف غرب این تپه یک سنگ بزرگی قرار دارد که به عنوان دروازه قلعه به حساب می‌رود. از این تپه انواع مهره،

کوزه‌های سفالی، کوزه‌های زر بدست آمده است.

۴- کهنه ده: کهنه ده تپه بلند و بزرگی است که در تمران، در منطقه به نام کهنه ده قرار دارد. آثار و خشته‌های پخته این تل حاکی از آن است که روزگاری حاکم قدرتمندی آن را احداث کرده و در هنگامه‌های جنگ به آن پناه می‌برده است. اکنون بر فراز این تپه در قسمت غربی آن مدرسه علمیه تمران قرار دارد.

۵- قلعه کافران تنگه شالیزاز: همچنین در تمران قلعه‌ای به نام «قلعه کافران» واقع در تنگه شالیزاز به چشم می‌خورد که قسمتهای زیاد این قلعه خراب شده است ولی آثار قلعه تاکنون همچنان ثابت و پابرجاست.

۶- قرآن شاه عباس: از جمله آثار قدیمی لازم به ذکر، قرآن معروف به «قرآن شاه عباس» است هماکنون در تمران نزد شخصی به نام «غلام بیک» موجود است. این قرآن با اینکه خریداران و مشتاقان زیادی از گوشه و کنار داشته ولی تاکنون این قرآن در تمران نزد شخص مذکور، همچنان محفوظ مانده است.

و: راههای مواصلاتی:

مهمترین راه مواصلاتی ولسوالی کجران، سرک کجران دهرآوود است که این ولسوالی را به مرکز ولایت و از آنجا با قندهار متصل می‌کند. راه مواصلاتی دیگری که قابل اهمیت است، سرک کجران و گیزاب است. این سرک از طریق کیسو از گردنه سر کیسو (پشته) گذشته به ولسوالی گیزاب (منطقه پری) می‌رسد. این سرک در سالهای اخیر احداث گردیده و قبل از آن پیاده رو بود. از جمله راههای مواصلاتی، سرک خدیر - تمران است که ولسوالی کجران را با دایکندی متصل می‌کند. این سرک در سالهای گذشته پیاده رو بود و سرک موتر رو در سالهای اخیر احداث گردید. راه مواصلاتی دیگر این ولسوالی سرک جلگه و ناوه می‌باشد که از گردنه چنبر عبور می‌کند و همچنین سرک کجران خاص و ناوه می‌باشد. این سرکها ولسوالی را به ولسوالی باغران متصل می‌کند. سرک جلگه و ناوه می‌باشد در سالهای اخیر احداث شده است.

سرکهایی که از آن نام برده شد - بجز از سرک کجران دهرآوود - در سال ۱۳۵۶ در دست احداث و قسمتهایی از آن کار شده بود؛ ولی با روی کار آمدن کودتای تره‌کی، کار این سرکها به حالت تعطیل در آمد. در زمان تشکیل حزب وحدت کار سرکسازی دوباره آغاز گردید و قسمتهایی از آن به حالت بهره برداری رسید؛ اما جنگهای داخلی کجران، عملاً بهره برداری از این راههای مواصلاتی را ناممکن ساخته است.

ز: پلهای مهم:

مهمترین پلهای ولسوالی در دو منطقه جلگه و ناوه رود بر روی رودخانه بزرگی که از این دو ناحیه عبور می‌کند، قرار دارد. در ناوه رود پنج پل، در پنج منطقه روی رودخانه‌ای که از وسط منطقه می‌گذرد قرار دارد. این پلها در زمستان که هوا سرد می‌شود و در بهار که آب بیش از حد زیاد می‌گردد، موقعیت جالب دارد و برای عبور مسافری و رفت و آمد ساکنان دو طرف رود، تسهیلات خوبی به شمار می‌رود.

همچنین در منطقه «جلگه» چندین پل بر روی رودخانه احداث شده است که مهمترین آنها پلهای سیمی: سرتیغان، غرنج، آرگان و دهن ده ملک است که این پلها در بهار سال موقع زیاد شدن آب، پلهای تجارتي به حساب می‌رود. این پلها که از کابل و سیم ساخته

شده به نام پل سیمی یاد می‌شود و پلها برای احداث کنندگان در بهار سال، وسیله درآمد خوبی است و هر عابری برای عبورش، برای محافظین پلها باید پول بپردازد.

ح: بافت اجتماعی:

بافت اجتماعی ولسوالی کجران متشکل از طوایف و تیره‌های گوناگونی است که ذیلاً اشاره می‌شود:

۱- هزاره: بزرگترین طوایف ولسوالی کجران را هزاره تشکیل می‌دهند که همه پیرو مذهب شیعه اثناعشری می‌باشند و در مناطق: کیسو، جلگه (ارگان) کیتی، تمران و بعضاً در کجران خاص و ناوه رود ساکن هستند و شاخص ترین قبیله هزاره را میرها تشکیل می‌دهند که بعنوان طایفه میر در صف بندیهای قومی ظهور می‌کند.

۲- تاجیک: تاجیکها نیز از طوایف عمده این ولسوالی به شمار می‌روند که همه بالاتفاق فارسی زبان و پیرو مذهب شیعه اثناعشری هستند و بیشتر آنها در مناطق: کیسو، تمران، و در قسمتی از مناطق ارگان: چون غرنج و فیض آباد بودوباش دارند و بعضاً در کجران خاص ساکن هستند. امروزه تاجیکهای کجران خود را به عنوان هزاره قبول دارند و در آداب و رسوم هزاره خالص هستند؛ ولی در صف بندیهای قومی داخلی کجران به عنوان تاجیک ظهور می‌کنند.

۳- بلوچ: از طوایف عمده دیگر کجران بلوچ می‌باشد بالاتفاق پیرو مذهب شیعه اثناعشری هستند و به زبان فارسی صحبت می‌کنند و عمدتاً در کجران خاص و ناوه رود ساکن هستند. این طایفه آداب و رفتار ویژه و مخصوصی به خود دارند که تا جایی با آداب و رسوم هزاره‌ها متمایز است و به عنوان بلوچ در صف بندیهای طایفه‌ای ظهور می‌کنند و هیچوقت خودشان را هزاره نمی‌خوانند؛ اما کوشش می‌کنند که پیوند شیعی و مذهبی‌شان را با هزاره‌ها حفظ و محکم کنند.

۴- سادات: سادات نیز به عنوان یک قوم در صف بندیهای قومی این ولسوالی گاهگاهی ظهور می‌کنند و در مناطق کیسو، کیتی، تمران، آرگان (جلگه)، ناوه رود و کجران خاص بطور پراکنده ساکن هستند.

۵- مغول: طایفه مغول که خودشان را از مغولستان می‌دانند از اقلیتهای قومی این ولسوالی به حساب می‌روند و در ناوه رود منطقه ساکن هستند و همه به عنوان پنج جوی (نهر) مغول یاد می‌شوند. این طایفه نیز پیرو مذهب شیعه اثناعشری بوده به زبان فارسی صحبت می‌کنند. به خاطر همسایگی با بلوچهای ناوه رود تا جایی تحت تأثیر آداب و عنعنات آنها هستند؛ ولی پیوند و بافت اجتماعی آنها با هزاره‌ها تا جایی نزدیک تر است. مغولها نیز گاهگاهی در صف بندیهای قومی بعنوان طایفه مغول ظهور می‌کنند.

۶- بروتی و خلیلی: طایفه بروتی و خلیلی از اقلیتهای قومی دیگر می‌باشند که بیشتر این دو طایفه در کنار رودخانه بزرگ کجران (جلگه و ناوه رود) پراکنده هستند و بعضاً در کیسو، هوشی و احتمالاً تمران نیز پراکنده می‌باشند. این دو طایفه بالاتفاق پیرو مذهب شیعه اثناعشری بوده و به زبان فارسی صحبت می‌کنند؛ اما دارای لهجه و آداب خاصی هستند و مردمان راست و ساده دیده می‌شوند و با دیگر قومیتها چندان بافت نخورده و بافت اجتماعی و قومی خویش را همچنان حفظ کرده است. شغل عمده آنها مالداري است و در سالهای اخیر به زمین داری روی آورده‌اند. خلیلیها و بروتیها از اقوام خیل محروم و گوشه گیر هستند. در صف بندیهای قومی ظهور نکرده و یا خیلی کم ظهور می‌کند. بروتیها خود را از تبار رستم زال می‌دانند و خلیلیها خود را از تبار ابراهیم خلیل (ع). این دو طایفه تاجایی مشترکات زیاد دارند و نژاد خویش را برتر از دیگران دانسته تا جایی پیوند خویشی با سایر قبایل برقرار نمی‌کنند. خلیلیها و بروتیها از لحاظ شکل و شمایل و استخوان بندی به آریائیها می‌ماند که به احتمال قوی از نژاد آریا هستند. وجه تسمیه بروتیها را به نام بروتی این

طور نقل می‌کنند که این طایفه نامه‌ها و اسرارهای جنگی ایران و افغانستان را، در میان بروتها و موهای خویش جاسازی می‌کرده است. (والله اعلم).

۷- ازبک: از جمله اقلیتهای قومی ولسوالی، قوم ازبک است که در سرباغ و شنیه کیسو ساکن هستند که همه بالاتفاق پیرو مذهب شیعه اثناعشری هستند و به زبان فارسی صحبت می‌کنند و امروزه به نام قوم ازبک در کیسو یاد می‌شوند. تعداد اندک این قوم در هوشی پراکنده هستند؛ که اکنون به این نام یاد نمی‌شوند. ازبکهای کیسو از لحاظ آداب و رسوم صد فی صد تحت تأثیر هزاره هستند. با هزاره و تاجیک از تمامی جهات بافت خورده است. این طایفه در صف بندی قومی کمتر ظهور می‌کند.

۸- افغان: از جمله اقلیتهای قومی این ولسوالی، قوم افغان است که در مناطق چون مناری و بالادشت ساکن هستند و تعداد خیل محدود در کیسو سکونت دارند. افغانهای مناری و بالادشت سنی مذهب و پشتوزبان هستند. افغانهای کیسو فارسی زبان و پیرو مذهب شیعه اثناعشری هستند که در مدرسه کیسو و بعضاً در ده ملک ساکن هستند. افغانهای ساکن مدرسه امروزه به نام افغانهای مدرسه یاد می‌شوند و از لحاظ آداب و رسوم صد فی صد تحت تأثیر هزاره هستند و از نزدیک با آنها پیوند خورده است. این طایفه به نام قوم افغان در صف بندیهای قومی مثل سایر اقلیتهای قومی چندان ظهور نمی‌کند.

بازار و بازارچه‌های ولسوالی

۱- بازار کجران خاص:

مهمترین و قدیمی‌ترین بازار در ولسوالی کجران، بازار کجران خاص، (مرکز ولسوالی) است که در زمان حکومت ظاهر این بازار بوجود آمد. در قسمت بالایی بازار اداره‌های دولتی قرار داشت که اکنون قسمتهای باقی مانده آن در اختیار پایگاه مجاهدان آن منطقه قرار دارد.

بازار کجران خاص، تا قبل از کودتای هفت ثور بازار پر رونق و گیروبار بود و تمام ما به‌تحت ولسوالی از این بازار تهیه می‌گردید و کالاهای صادراتی سایر مناطق به این بازار سرازیر شده و از آنجا به قندهار - کابل منتقل می‌شد، تعداد دکانهای این بازار بالغ بر سیصد باب دکان می‌رسید.

۲- بازار ناوه رود:

در ناوه رود دو بازارچه وجود دارد که در دوران جهاد احداث و راه اندازی شده است، مهمترین بازارچه ناوه رود، بازار «زردگلان» است که تقریباً دارای بیش از ۲۵۰ باب مغازه است و بازارچه دیگری ناوه رود دارای ۵۰ باب مغازه است... در این بازارچه‌ها لوازمات و کالای مورد نیاز منطقه از جاهای مختلف وارد می‌شود و تولیدات منطقه از قبیل گندم، برنج، ماش، جواری (زرت) بادام، جوز (چهارمغز) روغن، پشم و حیوانات گروشتی در بازار به فروش رسیده و به سایر نقاط صادر می‌گردد و بدینسان احداث بازارچه‌های مزبور در دوران جهاد نقش مهمی را در بهبود وضع اقتصادی مردم دارد.

شدن سبب آنکه ویستها از ولسوالی در سال ۱۳۵۸ آغاز و پس از اندک زمانی به امر رسید. و این دره از جاذبه‌های تری زمینهای کثرت
 ۳- بازار کیسو: از می‌رود که بهترین حاصل آن گندم، ذالی، ماش و جواری (زرت) است. تولید ناخالصی به لویج، نمک و نمک‌ها
 در کیسو در سال ۱۳۶۲ بازارچه به نام «بازار ولیعصر (عج)» در ابتدای منطقه «دشت» و انتهای «منطقه مدرسه» تأسیس و در
 سال ۱۳۶۳ تبدیل به بازار گرم و پر رونق گردید بگونه‌ای که در عرض ۳-۴ سال تعداد دکانهای این بازارچه به بیش از سیصد
 دکان و مغازه رسید و در این بازار تمام کالاهای مورد نیاز مردم منطقه از جاهای مختلف وارد و تولیدات منطقه از قبیل
 گندم، برنج، جواری (زرت)، روغن، عسل، پشم، حیوانات گوشتی، بادام، جوز (چهارمغز)، توت، انگور و سایر میوه‌جات در بازار
 به فروش رسیده و به سایر نقاط صادر می‌گردید و بدینسان احداث بازار «ولی عصر» تأثیر مثبتی در اقتصاد و زندگی مردم این
 خطه گذاشته و از جمله کارهای مثبت دوران جهاد در این منطقه به حساب می‌رود، ولی این بازار در اثر تسلط نیروهای
 فاشیست و متجاوز باغران در منطقه ناومیش و هجوم آنها تا منطقه کیسو، مورد فیر سلاحهای ثقیله افغانهای باغران قرار گرفت و
 در دو سه سال اخیر (۷۱-۷۳) عملاً به حالت رکود و نیمه تعطیل درآمده و قسمی از دکانهای آن مورد غارت نیز
 قرار گرفت و بدینسان سه سال اخیر در اثر جنگهای ویرانگر و خانمانسوز این منطقه، که دست پیدا و پنهان دشمنان این مرز و بوم
 مرتب کار می‌کرد شیرازه زندگی مردم را از بین برده و این بازارچه را کاملاً از رونق انداخت، زندگی و وضع مردم تا چند درجه به
 زیر صفر تنزل کرد.

۴- بازار جلگه: کشته خروار گندم از این دشت به عمل می‌آید. در این منطقه تولیدات و محصولات عبارتند از: گندم، ذالی، ماش و جواری (زرت) است. تولید ناخالصی به لویج، نمک و نمک‌ها
 در دوران جهاد، یک بازارچه در «جلگه» واقع در «سرتیغان» احداث گردید. این بازارچه به خاطر موقعیت منطقه «سرتیغان» و
 وجود پایگاه مجاهدان، از موقعیت جالبی برخوردار بوده و در بهبود وضع اقتصادی منطقه نقش مثبتی را ایفا کرد. این بازارچه نیز در
 کشماکش و هرج و مرج جنگهای سالهای اخیر بغران ناومیش و کجبران از رشد و رونق افتاده و زیر و نشیبه‌های زیادی را دید.

۵- بازار کیتی: در دوران جهاد، بین سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ در کیتی احداث گردید، اجناس مورد نیاز مردم
 در این بازار وارد و تولیدات منطقه، از قبیل گلیم، پشم، هسته زردآلو، بادام، کشته، به سایر نقاط صادر می‌شد. و تا سه و چهار سال رونق
 گرمی داشت ولی پس از شدت جنگهای داخلی و قومی در کیتی، این بازار به کلی نابود شد که تا حالا اثری از آن دیده نمی‌شود.

۶- بازار تمران: در دوران جهاد، با همت و تلاش مسؤولان منطقه، بازارچه تمران، با ۱۵۰ باب دکان در منطقه تمران احداث گردید، مایحتاج
 روز مره مردم در این بازار وارد و تولیدات منطقه از قبیل، بادام، پشم، کشته، توت، پنبه در بازار به فروش رسیده و اثرات مطلوب و
 بجایی را در رشد و شکوفایی اقتصاد مردم می‌گذاشت.

نهرکشی و توسعه جویها در دوران جهاد:

یکی از کارهای مفید و مثبت دوران جهاد، آزادی مردم در نهرکشی، توسعه جویها، احیاء زمین، عمران و آبادی منطقه بود که فهرست وار اشاره می‌شود:

جویهای جلگه:

- ۱- «جوی نو تجریب» که این جوی از قسمت سر تیغان، از جلگه گرفته شده تا «تودک آرگان» امتداد می‌یابد و با آب فراوانی که از رود در آن جریان دارد، دشت تجریب را به کلی زیر کشت و زرع برده و تا قسمت تودک از این نهر استفاده می‌شود.
- ۲- جوی نو «دهن ملمنجک» که این نهر با استفاده از آب جلگه، از دهن ملمنجک تا دشت «ریسک» امتداد دارد و نواحی زیادی را با استفاده از آب خدادای رودخانه، تحت کشت چون می‌برد.
- ۳- جوی نو «ولم زنو (زنان)» که این نهر جدید از ولم زنان از آب جلگه گرفته شده تا دشت هزار درخت امتداد دارد و منطقه زیادی را با استفاده از آب جلگه تحت کشت و زرع برده و منطقه را سرسبز و خرم می‌گرداند.
- ۴- جوی نو «قره باتور» که با استفاده از آب جلگه، پشته قراباتور را تحت کشت و زراعت چون می‌برد.
- ۵- جوی نو «کَرَک توغی» که این نهر نیز از جلگه گرفته شده و منطقه زیادی را تحت کشت و زراعت برده است.
- ۶- جوی نو «پل بتدک» که از غرنج از رودخانه کشیده شده است.
- ۷- جوی «ولیعصر» معروف به جوی «کلاش» و «مستضعفین» که با استفاده از جلگه از قسمت ارگان کشیده شده و تا «ساغم غرنج» امتداد می‌یابد. شروع کار این نهر از سال ۱۳۶۳ آغاز و کار آن تا سه سال طول کشید تا زمینهای زیادی را تحت کشت و زرع برد. اکنون درختها و باغهای زیادی در زمینهای تحت آب این نهر به عمل آمده است. در این نهر حدود ۷۰ خانوار شریک بوده و شرکای آن عمدتاً از مردم منطقه کیسو است.
- ۸- جوی علویه، این نهر نیز با استفاده از آب جلگه، از قسمت ارگان کشیده شده و تا ساغم غرنج امتداد می‌یابد. و زمینهای زیادی را از آب رودخانه سیراب و سرسبز می‌گرداند.
- ۹- جوی «ولیعصر» (جوی ۱۷۰ نفری) معروف به جوی «راکت» این نهر از قسمت «تودک» از آب جلگه کشیده شده و تا قسمت «اسپیدانک» امتداد می‌یابد و زمینهای زیادی را تحت کشت برده است. کار این نهر از ۱۳۶۴ آغاز شده و تقریباً تا دو سال طول کشید.
- ۱۰- جوی نو معروف به «جوی هفتاد و پنج نفری» که از دهن غرنج بلویار با استفاده از آب جلگه کشیده شده و تا پسو (پس آب) بلویار امتداد می‌یابد.
- ۱۱- جوی بلویار که از قسمت بلویار با استفاده از آب جلگه کشیده شده و تا قسمت «سنگ شارک» امتداد یافته و زمینهای زیادی را به زیر کشت برده است. کار این نهر نیز از سال ۱۳۶۴ آغاز یافته است.
- ۱۲- جوی نو معروف به جوی «مَلَه شاخ» که از قسمت «خم توت» با استفاده از آب جلگه کشیده شده و پس از سیراب کردن «دَرَه» - دره‌ای که در گذشته کمینگاه و سرقته‌جای دزدهای مسلح افغانها از مسافرینی که از این دره عبور می‌کرد، بود - تا بیدک امتداد می‌یابد و دره‌ای خطرناک و مخوف و بیابانی را تبدیل به منطقه امن، حاصلخیز و سرسبز گردانید. و شروع کار این نهر پس از برچیده

شدن سیطره کمونیستها از ولسوالی، در سال ۱۳۵۸ آغاز و پس از اندک زمانی به ثمر رسید. و این دره از حاصلخیزترین زمینهای کناره رودخانه به شمار می‌رود که مهمترین حاصل آن گندم، شالی، ماش و جواری (زرت) است.

۱۳- جوی نو دیگری که از سنگ شارک با استفاده از آب جلگه کشیده شده و تا بیدک امتداد می‌یابد.

۱۴- جوی نو دیگری که با استفاده از آب جلگه از قسمت «بند سنگ» کشیده و تا «کورک توغی» امتداد می‌یابد.

۱۵- جوی نو دیگری که با استفاده از آب جلگه از قسمت «سرخی اسپدانک» کشیده و تا قسمت «قول آلو» منطقه «خاکچل»

امتداد می‌یابد.

۱۶ جوی نو «رویاب» که از قسمت «سر بلاغ» از رودخانه کوچک «رویاب» کشیده شده و تا قسمت دهن رویاب امتداد می‌یابد. و

محصولات مهم این جوی را گندم، جواری (زرت)، ماش و عدس تشکیل می‌دهد.

جویهای توسعه یافته

جویهای توسعه یافته کیسو با صرف نظر از مسأله جنجالی آنها، عبارت است از :

۱- جوی پیتاب جوی که از قسمت پیتاب جوی سر کیسو به طرف دشت سرباغ کشیده شده و دشت وسیع سرباغ را به زیر کشت

گندم برده است که محصول آن دهها خروار گندم در سال است. شروع کار این جوی از سال ۱۳۶۸ آغاز و کار آن سریع پایان یافت.

۲ و ۳- دو تا جوی توسعه یافته در سرباغ که هر دو از آن از سرباغ کیسو به سوی دشت بزرگ وسیع «قراولجای» کشیده شده که

سالانه بیش از یکصد خروار گندم از این دشت به عمل می‌آید.

۴- جوی توسعه یافته «غوتله» که قسمت بالایی ورشو و ریتک را به زیر کشت برده است.

۵- جوی توسعه یافته «ده ملک» در قسمت پائین کیسو که تا قسمت لخشتم سنگ و تودک امتداد یافته، و سالانه محصولات

زیادی از آن بدست می‌آید.

و بدینسان نهرکشی و توسعه نهرها در دوران جهاد، توسط مردم و با همکاری پایگاههای منطقه، پس از به ثمر رسیدن، نقش

مهم و حیاتی در زندگی و وضع اقتصاد مردم گذاشته و تعداد زیادی از بی زمینها و کم زمینها دارای زمین شده و حتی از دیگر ولسوالیها

چون گیزاب، در این جویهای نو سهم گرفته و صاحب زمین شده است و سالانه صدها خروار گندم، برنج، ماش، جواری و... به

محصولات منطقه افزوده شده تا جایی که هر ساله خروارها گندم و برنج از این ولسوالی سرازیر مناطق افغانها، و ولسوالیهای گیزاب و

دایکندی می‌شود و نیازها و کمبودهای آنان را تأمین می‌گرداند.

مراکز دینی و فرهنگی :

مساجد و حسینیه‌ها :

۱- کجبران خاص : در کجبران خاص شش مسجد و شش حسینیه وجود دارد، بزرگترین مسجد، مسجد جامع بازار کجبران است

که در سال ۱۳۵۵ احداث شده است، مسجد جامع کجبران، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و فعالیت دینی و مذهبی در آن انجام گرفته

و مراسم دینی و مذهبی اکثراً در این مسجد برپا می‌شود. و در سالهای اولیه احداث، نماز جمعه و جماعت با شکوهی فراوان در این

مسجد برگزار می‌گردید و در دهه محرم الحرام دسته‌های سینه زنی و عزاداری سالار شهیدان، از نواحی مختلف سرازیر به سوی مسجد

می‌گردید.

حسینیه و منبرهای کجران خاص نیز بدین قرار است:

۱- حسینیه «لر تو». ۲- حسینیه «شاهجوی». ۳ و ۴- حسینیه «دهن تاخه» و وسط «تاخه». ۵- حسینیه «قلعه لاش». ۶- حسینیه گرنی. و

جدید ترین حسینیه‌های کجران، حسینیه «شاهجوی» است که تقریباً دو سال از تأسیس آن می‌گذرد.

۲- ناوه رود: حسینیه‌ها و مساجد ناوه رود بدین شرح است:

۱- پنج مسجد و یک حسینیه در کندوی سفلی و علیا

۲- سه مسجد و یک حسینیه در منطقه «دروانه»

۳- سه مسجد در منطقه «ناصو»

۴- چهار مسجد و یک حسینیه در «لختوغی»

۵- دو مسجد در حسین آباد.

۶- سه مسجد در قاسم آباد.

۷- چهار مسجد و یک حسینیه در سرخرک.

۸- یک مسجد و یک حسینیه در باغبان.

۹- یک مسجد و یک حسینیه در قنبر آباد.

۱۰- یک مسجد در پانه جوی.

۱۱- یک مسجد و یک حسینیه به نام حسینیه «امام صادق (ع)» در پانه جوی.

۳- کیسو: حسینیه‌ها و مساجد «کیسو» به قرار یاد شده در ذیل است:

۱- دو مسجد و دو حسینیه در سرکیسو است؛ یک مسجد و یک حسینیه در منطقه بالای ارگی قرار دارد. و این حسینیه و مسجد

از قدیمی ترین مسجدها و حسینیه‌های سرکیسو به حساب می‌رود. و یک مسجد و یک حسینیه در منطقه پیتاب جوی است که از تأسیس آن تقریباً هیجده سال می‌گذرد.

۲- دو مسجد در «غوله» یکی در غوله بالا و یکی در غوله پایین.

۳- یک حسینیه و یک مسجد در «غوتله» می‌باشد، و حسینیه غوتله، از حسینیه‌های قدیمی منطقه است، که همواره مرکز تبلیغ و

برگزاری مراسم دینی، بطور مداوم بوده است.

۴- سه مسجد در منطقه‌های «شینه»، «ورشو» و «سرباغ» که این مساجد سه گانه به ترتیب در اول دهه پنجاه با همکاری افراد خیر

منطقه ساخته شده است.

۵- مسجد جامع بازار کیسو، که در سالهای ۶۹ و ۷۰ در ساحه وسیعی ساخته شده است.

۶- در دشت هفت مسجد و دو حسینیه وجود دارد به نامهای؛ مسجد محمدی، مسجد زرگرو، مسجد باغ کلو، مسجد محمد

حسین زوار، مسجد رکابعلی صوفی، مسجد و حسینیه زرد ارگی (قاضی) مسجد و حسینیه شیخ مقدس (بخش ارباب) که قدیمی ترین

حسینیه و مسجد در دشت، مسجد و حسینیه شیخ مقدس، (بخش ارباب) بود که متأسفانه در اول دهه پنجاه در فصل تیرماه، این حسینیه

در اثر سیل زیاد، بکلی از بین رفت، و اکنون اثری از این حسینیه باقی نمانده است.

- ۷- سه مسجد و دو حسینیه در رویان به نامهای: مسجد و حسینیه قدیمی رویان، که اکنون ساختمان حسینیه قدیمی از بین رفته است. مسجد بابلاً و مسجد و حسینیه جدید التاسیس سال ۱۳۶۳.
- ۸- یک مسجد و یک حسینیه در «سید آباد» که در دوران جهاد نام سید آباد را به خود گرفته است.
- ۹- دو مسجد و یک حسینیه در شورو که حسینیه آن نیز جدید التاسیس است.
- ۱۰- دو مسجد و یک حسینیه قدیمی در ده ملک.
- ۱۱- یک مسجد و یک حسینیه جدید التاسیس در جوی غلامو.
- ۱۲- یک مسجد جدید التاسیس در جوی جدید ولی عصر معروف به جوی «کلاش»
- ۱۳- یک مسجد و یک حسینیه در غرنج پایین،
- ۱۴- یک مسجد و یک حسینیه در بزرگر، یک مسجد و یک حسینیه در بند سنگ بلویار، یک مسجد در خم توت، یک مسجد و یک حسینیه در «سنگ شارک» یک مسجد در بیدک، یک مسجد در دره (خاکچل) یک مسجد در جوی ۱۷۰ نفره معروف به جوی راکت. یک مسجد و یک حسینیه در «رشک» یک مسجد و یک حسینیه در پساو (پس آب) باز میر.
- ۴- جلگه: مساجد و حسینیه‌های منطقه جلگه، بدین شرح است:
- یک مسجد در زرکنک. یک مسجد و یک حسینیه در «پنمان»، یک حسینیه در غرنج بالا. یک مسجد و یک حسینیه در «میوک» یک مسجد در «قرغه زار»، سه حسینیه و یک مسجد در ارگان، یک مسجد در تودک، یک مسجد و یک حسینیه در «مئمی» یک مسجد در «دهن ملمنجک» یک مسجد در سر «ملمنجک» یک حسینیه و دو مسجد در «هوشی» یک مسجد در «زلی»
- لازم به ذکر است که حسینیه ارگان از جمله حسینیه‌های تازه تأسیس است که در اول دهه شصت تأسیس شده و تا جایی از ویژگی خاصی برخوردار است.
- ۵- کیتی: در «کیتی» یازده مسجد به قرار شرح یاد شده در زیر می‌باشد:
- ۱- مسجد اجونک واقع در قسمت بالایی کیتی. ۲- مسجد انگورک. ۳- مسجد جامع شنیه که از اهمیت خاصی برخوردار است ۴- سه مسجد در دشت. ۵- یک مسجد در مزرمی که از آن گاهی به عنوان حسینیه نیز استفاده می‌شود. ۶- مسجد قیضله. ۷- مسجد حاجی غلامعلی. ۸- مسجد الله اکبر. ۹- مسجد عیسی ارباب.
- در کیتی پنج حسینیه وجود دارد. حسینیه‌ها که اغلباً در کنار مساجد واقع شده به قرار شرح یاد شده در زیر است:
- ۱- حسینیه انگورک واقع در کنار مسجد انگورک. ۲- حسینیه اوچونک. ۳- حسینیه شنیه واقع در کنار مسجد شنیه. ۴- حسینیه دشت واقع در کنار مسجد دشت. ۵- حسینیه مزرمی واقع در کنار مسجد مزرمی
- ۶- تمران: در «تمران» پنج مسجد و چهار حسینیه به قرار شرح یاد شده در ذیل است:
- ۱- یک مسجد و یک حسینیه واقع در سر «تمران» ۲- یک حسینیه و یک مسجد واقع در قسمت مزار. ۳- یک حسینیه و دو مسجد در «کهنه ده» ۴- یک مسجد جامع در بازار که در سالهای اخیر احداث شده است. ۵- یک حسینیه در شالیزار واقع در قسمت پایینی تمران.
- یکی از مناطق مربوط به تمران «کومی» و نواحی مربوط به آن است که دارای یک مسجد و یک حسینیه است. مساجد ولسوالی علاوه بر اقامه نماز گاهی به مناسبت‌های مذهبی و دینی، مراسم خاص مذهبی و سوگواری بر قرار می‌شود. و

در کنار بعضی از مساجد با استفاده از امکانات مساجد، درس قرآن و آموزش خواندن و نوشتن فارسی به شکل سنتی اغلباً در فصلهای خزان، زمستان و بهار توسط عالم و آخوند محل دایر می‌گردد.

در حسینیه‌های ولسوالی، فعالیتهای برگزاری مراسم دینی، مذهبی، و برگزاری عزاداری امام حسین (ع) و نوحه سرایی، سینه زنی و زنجیر زنی برای سالار شهیدان و یاران فداکارش انجام می‌گیرد. و در سالهای قبل از کودتای عوامل روسها، تبلیغات برگزاری روضه در حسینیه‌ها بطور دائم در تمام فصول سال در بعد از ظهر جمعه‌ها انجام می‌گرفت. و در دوران جهاد مراسم تبلیغات مذهبی و برقراری روضه، در بعد از ظهرهای روزهای جمعه با ایجاب اوضاع و شرایط، برپا می‌شود.

مدارس دینی ولسوالی: منطقه شماره ۱

۱- کجران خاص: در کجران خاص (مرکز ولسوالی) یک باب مدرسه دینی به نام مدرسه «امام صادق (ع)» وجود دارد که در دوران جهاد، به سال ۱۳۶۸، در منطقه کاریز احداث شده است. این مدرسه که توسط دیوار از چهار طرف احاطه بندی شده است، دارای یک راهرو بزرگ، و چندین اطاق است. تحصیل در این مدرسه معمولاً قبل از ظهر و بعد از ظهر انجام می‌گیرد، و طلبه‌های آن عمدتاً از مرکز ولسوالی است.

۲- ناوه رود: در ناوه رود یک باب مدرسه دینی به نام مدرسه «مهديه» در دوران جهاد احداث شده که با توجه به اوضاع و شرایط منطقه، دروس دینی در آن ادامه می‌یابد.

۳- کیسو: در کیسو تا قبل از آغاز جهاد و مبارزه چند حوزه دینی، به ترتیب ۱- در ورشو توسط استاد شیخ قنبر «صدوقی»، ۲- شینه توسط شیخ غلامعلی زکی، ۳- در رویان، توسط شهید استاد شیخ محمد علی عالمی ادامه داشت. و در دوران جهاد با همکاری پایگاه و مردم در جای مدرسه دولتی ابتدایی دشت، یک باب مدرسه دینی به نام مدرسه «امام صادق (ع)» ساخته شد و طبق شرایط و وضعیت منطقه درسهای دینی ادامه می‌یابد.

۴- تمران: در منطقه تمران، یک باب مدرسه علمیه با همکاری مردم، توسط شهید استاد شیخ جمعه احسانی، در دوران حکومت ظاهر (احتمالاً سالهای ۱۳۵۴) ساخته و راه اندازی شد. *مطالعات مردمی*

مدرسه علمیه تمران، از عمده‌ترین مدرسه‌های دینی منطقه به حساب می‌رود که تا دوران قبل از کودتا تعداد شاگردان آن تا ۷۰ نفر طلبه می‌رسید و تا سطح لعمه در این مدرسه تدریس می‌شد. این مدرسه در سالهای اولیه خود تحت اداره و سرپرستی استاد احسانی از جنب و جوش و رونق کامل برخوردار بود و طلاب از منطقه‌های خیلی دور دست، چون ناومیش، جلگه، کیسو، کیتی، و دایکنندی، در این مدرسه سرازیر می‌شدند. در دوران جهاد نیز این مدرسه تحت مدیریت شهید اخلاقی و پس از آن با همکاری استادان منطقه، به فعالیت خویش ادامه می‌داد.

مکاتب دولتی:

۱- کجران خاص: در کجران خاص (مرکز ولسوالی) یک باب مکتب متوسطه در دوران حکومت ظاهر احداث و راه اندازی شده و تحصیل در این مکتب در دونوبت: قبل از ظهر و بعد از ظهر ادامه می‌یافت. شاگردان این مکتب معمولاً به بیش از ششصد نفر می‌رسیدند. از این مکتب که از با سابقه‌ترین مکاتب کجران به شمار می‌رود، متعلمین زیادی راهی لیسه‌های: کابل و سایر شهرهای

کشور در رشته‌های مختلف شدند. این مکتب تا حدودی از کیفیت بهتر و تسهیلات بیشتر برخوردار بود.

۲- ناوه رود: در ناوه رود با توجه به شرایط محیطی، سه باب مکتب ابتدایی وجود داشت: ۱- باب مکتب در منطقه کندو. ۲- یک باب مکتب واقع در «قاسم آباد» (۲) ۳- یک باب مکتب واقع در «باغوان». این مکتبها نقش زیادی در بالا بردن سطح خواندن و نوشتن در منطقه ناوه رود داشت.

۳- کیسو: در کیسو دو باب مکتب دولتی وجود داشت، یک باب مکتب متوسطه در شنیه و یک باب مکتب ابتدایی در دشت. مکتب شنیه در دوران حکومت ظاهر و احتمالاً در سالهای ۱۳۴۳ تأسیس و در سال ۱۳۴۴ راه اندازی گردید و در سال اول شاگردان مکتب زیر باغی واقع در منطقه به نام «مدرسه» جمع می‌شد تا یک مقداری از کارهای تعمیر مکتب انجام گرفت. این مکتب در ابتدا، مکتب دهاتی بود و پس از آن به مکتب ابتدایی و متوسطه رسید، و شاگردان آن به تعداد ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر می‌رسیدند و در دو نوبت پیش از ظهر و بعد از ظهر درس می‌خواندند. این مکتب دارای یک میدان بازی تعلیم و یک میدان والیبال بود.

از مکتب شنیه متعلمین زیادی در لیسه‌های کابل، چون: لیسه حریه، لیسه رحمان بابا، لیسه ابن سینا، مکتب ابو حنیفه، و حربی پوهنتون، پوحنخی شرعیات و همچنین در لیسه زراعت هرات مشغول تحصیل بودند.

مکتب دشت در سالهای اخیر با توجه به کثرت جمعیت کیسو در دشت نزدیک به دهن رویان احداث گردید. که تا صنف شش در این مکتب درس خوانده می‌شد و متعلمینی که از این مکتب فارغ می‌شد در مکتب شنیه به تعلیم‌شان ادامه می‌دادند. و آثار این مکتب تا هنوز در دشت باقی مانده است. اما مکتب شنیه پس از سقوط کمونیستها کاملاً خراب و ویران گردید و به تصرف صاحب اولیه آن درآمد.

۴- کیتی: در کیتی یک باب مکتب ابتدایی در دوران آخر حکومت ظاهر احداث و راه اندازی گردید.

تعمیر مکتب مذکور، دارای ۳ صنف بود که شاگردان مکتب در دو نوبت قبل از ظهر و بعد از ظهر درس می‌خواندند، معلمان مکتب همه از اهل تسنن و خارج از منطقه بودند. این مکتب دارای یک میدان بازی و یک میدان والیبال بود. این مکتب نیز پس از سقوط کمونیستها از ولسوالی، توسط فردی تخریب شده و کاملاً از بین رفت و اکنون جای مکتب تبدیل به زمین زراعتی گردیده است.

۵- مکتب تمران: در تمران یک باب مکتب ابتدایی در دوران حکومت ظاهر در وسط منطقه احداث و راه اندازی شده که در این مکتب نیز شاگردان در دو نوبت قبل از ظهر و بعد از ظهر درس می‌خوانده و معلمان آن عمدتاً از اهل سنت و خارج از منطقه بودند. از این مکتب تعداد سه متعلم ممتاز در سال ۵۷ راهی لیسه‌های کابل شدند.

زیارتگاههای معروف و مکانهای مورد احترام مردم:

در کجراں خاص زیارتگاه و مکانهای مورد احترام، عبارت است از:

- ۱- مایگان: مایگان چشمه‌ای است که روی آن تابوت ساخته شده از سنگ قرار دارد و آب این چشمه در چهار فصل سال یکسان و ثابت است. در میان چشمه ماهیهایی به رنگهای گوناگون دیده می‌شود.
- ۲- زیارت شاه الماس آغا: این زیارت «قبر سید» به نام «شاه الماس» است که نام آن در سراسر ولسوالی معروف است و حتی

- زیارتگاه حاجتمندان مناطق خیلی دوردست به شمار می‌رود.
- ۳- پایشاه: پایشاه در منطقه قول‌آلو قرار دارد و آن محلی است که آب از زیر کوه بیرون می‌شود، اثر و جای پا روی آن حک شده است که در نزد عوام به جای پای (حضرت علی(ع)) معروف است. آبی که از زیر کوه بیرون می‌شود و روز چندین بار خیلی کم و زیاد می‌گردد که مردم از آن برداشتهایی دارند.
- ۴- زیارت برگر: این زیارت که نیز «قبر سید» است در منطقه برگر قرار دارد و مردم از آن کراماتی دیده با دیده احترام به آن می‌نگرند.
- ۵- بابلا: بابلا واقع در رویان است که در سالهای گذشته، مناطق نزدیک به آن در دستجات مختلف به زیارت آن می‌رفته و خیرات و نذورات خود را در آن محل می‌برده است.
- ۶- قبر سید مدرسه: این زیارت که قبر سید میباشد، در مدرسه واقع شده و اطراف قبر، توسط دیوار بلند احاطه بندی شده است.
- ۷- خواجه غریب: خواجه غریب قبر سیدی است که در شنیه واقع شده و در کنار آن مکتب شنیه ساخته شده است. و اطراف این زیارت نیز با سنگ، احاطه بندی شده است. و در سالهای اخیر، معلمان مکتب که همه از اهل منت بودند می‌خواستند در قسمت بالایی این زیارت ضرورتخانه (توالت) بسازند، چپرسیها (که شیعه بودند) و متعلمینی که مأمور ساختن این ضرورتخانه بودند هر سنگی را که بر می‌داشتند زیر آن مار می‌دیدند. تا جایی که اینها دست از کار کشیدند، معلمهای مکتب عصبانی شده خودشان آستین بالا زدند آنها نیز با برداشتن هر سنگ با یک مار خشمگین روبرو شده مجبور به فرار می‌شدند. و این کار ادامه داشت تا قرار گفته‌های موتق، شبها معلمها، سنگ باران می‌شدند و مارها مکتب را محاصره می‌کردند، تا سرانجام از ساختن ضرورتخانه در جای مورد نظر دست برداشتند، و پس از آن سراسر قبرهایی که در کنار این قبر سید قرار داشت با مساحت خیلی زیاد، توسط معلمهای مکتب دو متر دیوار چینی شدند و پس از آن مارها دست از سر معلمها برداشتند.
- ۸- دوتا «زیارت قبر سید» در سر کیسو است یکی زیارت قبر سید کوتل خنجک و یکی هم زیارت شاه میر آقا. شاه میر آقا سیدی بود که در تمام دوران سال روزه دار بود.
- ۹- زیارت «مزار کوه»: مزار کوه، در دامنه کوههای شرق کیتی (از سلسله کوههای سلیمان به شمار می‌رود) واقع شده است. و مردم معتقدند که آنجا گذرگاه حضرت خضر(ع) است. «مزار کوه» دارای چشمه بزرگی است که آب بسیار سفید و زلال دارد. آب چشمه از درون سنگهای سفید می‌جوشد که اینچنین سنگ سفید و دیدنی در سایر جای کوه دیده نمی‌شود. روزهای چهارشنبه آب چشمه به شدت گل‌آلود می‌گردد و مردم از آن برداشتهای دارند.
- ۱۰- قبر سادات: در کیتی ۳ زیارت قبر سادات به نامهای «قبر سید دشت»، «قبر سید فیضله»، «قبر سید شاه عبدالله» است که در بین مردم آن سامان از احترام خاصی برخوردار است.
- ۱۱- زیارت مزار واقع در سر تمران، که با توجه به این زیارت، نام همان منطقه به نام مزار یاد می‌شود.
- ۱۲- زیارت «قبر سید ملاًبزم» که این زیارت از احترام خاصی برخوردار بوده و حاجتمندان زیادی به سوی آن کشیده می‌شوند.